

تحلیلی بر مهم‌ترین مهارت‌های شهرسازان در ایران و موفقیت دوره کارشناسی در انتقال این مهارت‌ها*

سید حسین بحرینی^۱، الهام فلاح منشادی^۲

^۱استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۱۳)

چکیده

آموزش شهرسازی شامل سه مولفه اصلی است: دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها. مطالعات گسترده‌ای به معرفی مهارت‌های اصلی مورد نیاز شهرسازان پرداخته است ولی تفاوت‌های بنیادی در آموزش شهرسازی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته لزوم شناسایی مهارت‌های مورد نیاز شهرسازان در این کشورها را افزایش می‌دهد. برای شناخت مهم‌ترین مهارت‌های شهرسازان در ایران، مجموعاً ۳۴۱ پرسشنامه توسط دانشجویان، دانش‌آموختگان، استادان و کارفرمایان شهرسازی تکمیل شده است. در حالیکه مهم‌ترین مهارت شهرسازان در کشورهای پیشرفته مهارت‌های ارتباطی است، نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در ایران، مهم‌ترین مهارت برای شهرسازان با مدرک کارشناسی مهارت‌های کار تیمی، مهارت‌های تکنیکی و مهارت جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد، و برای شهرسازان با مدرک کارشناسی ارشد، مهم‌ترین مهارت‌ها شامل مهارت‌های تحلیلی، ارائه شفاهی و تعریف مسئله است. این درحالی است که دو مهارت بودجه‌بندی و مدیریت پروژه هم برای شهرسازان با مدرک کارشناسی و هم برای شهرسازان با مدرک کارشناسی ارشد دارای کمترین اهمیت می‌باشد. ارزیابی موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌ها در ایران نشان می‌دهد که سطح موفقیت در حد متوسط بوده است. بیشترین موفقیت آموزش در انتقال مهارت‌هایی چون مهارت‌های تحلیلی، تکنیکی و سپس ارائه شفاهی دیده می‌شود. در حالیکه مهارت‌های مدیریتی (هر سه مهارت)، مهارت ارتباط با برنامه‌ریزان و مسئولین طرح نیز در پایین‌ترین حد است.

واژه‌های کلیدی

مهارت‌های شهرسازان، آموزش شهرسازی، ارزیابی، ایران.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده دوم با عنوان «ارزیابی محتوای آموزش شهرسازی با تاکید بر مقطع کارشناسی در ایران» و طرح پژوهشی با همین عنوان است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۱، نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۵۰۴، E-mail: hbahrain@ut.ac.ir

مقدمه

در حالی که در کشورهای پیشرفته طرح پیشنهادی باید توسط عموم یا ساکنین یک محله مورد پذیرش قرار گیرد، در کشورهای در حال توسعه، طرح توسط مسئولین انتصابی و یا انتخابی مصوب می‌شود. این بدین معنی است که اگرچه مهارت‌های ارتباطی مهم‌ترین مهارت در کشورهای توسعه یافته است (Gospodini & Skayannis, 2005)، در کشورهای در حال توسعه مهارت فنی مهم‌ترین مهارت مورد نیاز شهروندان می‌باشد (Diaw, 2002). بنابراین روشن است که مهارت‌هایی که باید به دانشجویان شهرسازی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران آموزش داده شود، لزوماً مشابه کشورهای توسعه یافته نیست. یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های مهارت‌های مورد نیاز یک شهروند در کشورهای در حال توسعه مانند ایران مطالعه - ای را طلب می‌کند که در این تحقیق به آن پرداخته شده است. این تحقیق سه سوال اصلی زیر را پاسخ می‌دهد:

- مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز در آموزش شهرسازی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد کدام است؟
- آیا دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، استادان و کارفرمایان، نظرات یکسانی در مورد اهمیت مهارت‌های مورد نیاز شهروندان دارند؟
- نظام کنونی آموزش شهرسازی در ایران تا چه اندازه در انتقال هر یک از این مهارت‌ها موفق بوده است؟

بحث‌های زیادی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های آموزش شهرسازی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. از یک طرف این بحث وجود دارد که آیا کشورهای در حال توسعه باید آموزش شهرسازی متفاوتی را دنبال کنند و یا باید همان روند آموزش غربی را تکرار نمایند. بورایدی، این چالش را رویکرد دوگانگی^۱ در آموزش شهرسازی در مقابل جهانی کردن یا یکتایی^۲ می‌نامد (Burayidi, 1993, 223). طرفداران جهانی کردن آموزش شهرسازی در مورد یک روش جهانی بحث می‌کنند، که بر شباهت‌ها بیش از تفاوت‌ها بین کشورهای توسعه یافته و جهان سوم تأکید دارد و معتقدند از ابتدای دهه ۱۹۸۰، به علت افزایش همبستگی بین جوامع و حتی نیاز بیشتر به همکاری بین فرهنگی، نیاز به کاهش خلاء بین مهارت و دانش در کشورهای توسعه یافته و کشورهای جهان سوم و کم رنگ شدن مرزهای بین المللی نیاز به آموزش جهانی شهرسازی بیشتر شده است (Afshar, 2001). در مقابل، طرفداران دوگانگی در آموزش شهرسازی بر تفاوت‌های جدی بین سیستم‌های ارزشی، مراحل توسعه و اولویت‌های اجتماعی - اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و جهان سوم تأکید دارند (Burayidi, 1993, 223). این چالش‌ها، شهروندان کشورهای در حال توسعه را مجبور می‌سازد برای موفقیت در فرایند برنامه‌ریزی مهارت‌های متفاوتی را در مقایسه با شهروندان در کشورهای توسعه یافته بیاموزند. برای مثال

۱- مبانی نظری

سه دسته سیاسی، تحلیلی و تکنیکی تقسیم می‌کنند: - شایستگی تحلیلی: مهارت‌هایی مانند ساختاردهی مسئله، حل مسئله و توانایی ارائه چارچوب جدید و نوآورانه برای قضاوت در زمان درگیری با مسائلی که ساختار و رفتار پیچیده دارند بسیار مهم است. همچنین توانایی تلفیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی برای درک چگونگی رشد و تغییر شهر و روستا و چگونگی انتقال این دانش به عمل و رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی حائز اهمیت می‌باشد.

- شایستگی فنی: شامل مهارت‌هایی مانند آمار پایه، اقتصاد، جمعیت‌شناسی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، سیستم‌های حمایت تصمیم‌گیری و برنامه‌های خاص کامپیوتری، گرافیک و طراحی پایه، توانایی خواندن طرح‌ها، گزارش نویسی، دانش قوانین برنامه‌ریزی، تحلیل اکولوژیکی، و برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه و پروژه.

- شایستگی اجتماعی - سیاسی: محیط فعالیت برنامه‌ریز توسط ارتباطات متقابل ذی‌نفعانی شکل گرفته که دارای موقعیت‌های ایدئولوژیکی مختلفی مانند سوابق اخلاقی، نژادی و فرهنگی متنوع هستند. بنابراین برنامه‌ریزی باید بتواند به نحوی

مبانی نظری شامل دو بخش کلی می‌شود. بخش اول به معرفی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان می‌پردازد که جدول نهایی برای رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت و بخش دوم نتایج مطالعات انجام شده برای رتبه‌بندی مهارت‌های شهروندان در مطالعات مشابه را معرفی می‌نماید.

۱-۱- معرفی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان

مطالعات گسترده‌ای به معرفی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان می‌پردازند. از افرادی که مشخصاً روی موضوع مهارت‌های شهروندان مطالعه می‌کنند می‌توان به اوزاوا و سلترز اشاره نمود که به رتبه‌بندی مهارت‌های شهروندان اقدام نمودند (Ozawa & Seltzer, 2002) (Seltzer & Ozawa, 1999). آنها مهارت‌های مورد نیاز را در سه دسته مهارت‌های ارتباطی و ارائه (شامل نوشتن، ارتباط گرافیکی، ارتباط و ارائه شفاهی)، تحلیل‌ها و روش‌ها، ترکیب خلاقیت و طراحی و مدیریت و هماهنگی تقسیم می‌کنند. هورن و همکاران (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004) نیز در یک دسته‌بندی کلی، مهارت‌های مورد نیاز شهروندان را به

هفت شایستگی: تحلیلی، متدولوژی، بصری، خلاقیت، اجتماعی، ارتباطی و بین فرهنگی را فهرست می‌کند (Kunzman, 1997, 3). گازتا و بولنز، نه مهارت شامل: مهارت‌های ارتباطی، گزارش نویسی، آشنایی با قوانین، دستورالعمل‌ها و سیاست‌ها، ارائه موثر، مدیریت، درک نیازهای مشتریان و مردم، نگارش برای عموم، تحلیل کمی و مهارت‌های فنی را به عنوان مهارت‌های مورد نیاز شهروندان پیشنهاد می‌کنند (Guzzetta & Bollens, 2003).

بررسی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در دهه‌های مختلف نشان دهنده تغییر دیدگاه عموم متخصصین در این زمینه از مهارت‌های تکنیکی و تحلیلی به مهارت‌های ارتباطی است. برای مثال در حالیکه کافمن و سایمنز (Kaufman & Simons, 1995) به مهارت‌های نگارش فنی، پذیرش مسئولیت جمع‌آوری داده‌ها، جنبه‌های محاسباتی و پیش‌بینی نتایج اشاره می‌کنند، موسسه برنامه‌ریزی شهری سلطنتی انگلستان (RTPI) به مهارت‌هایی چون مباحثه، میانجی‌گری، حمایت و کار تیمی در شهرسازی بیش از دیگر حرفه‌ها تاکید دارد (Ellis, Morison, & Purdy, 2008). در این ارتباط، مایروبنرجی برابزینی برنامه تحصیلی علوم اجتماعی - محور دهه ۱۹۷۰ تاکید دارند که تمرکز بر مهارت‌های تشخیص مسئله، طراحی سیاست، تصمیم‌گیری و فعالیت‌های اجتماعی تاکید دارد. این مهارت‌ها به عنوان مشخصه‌های متمایزکننده شهرسازی به شمار می‌روند (Myers & Banerjee, 2007). گوسپدینی و اسکایانیس (Gospodini & Skayannis, 2005)، مهارت‌های ضروری در شهرسازی معاصر را تلفیقی از مهارت‌های ارتباطی و تکنیکی دانسته و این مهارت‌ها را برای شهروندان ضروری می‌دانند. مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های مذاکره و مهارت در تکنولوژی اطلاعات کاربردی برای تحلیل فضایی، کار توگرافی، تحلیل آماری و پایگاه داده. باج (Budge, 2009) معتقد است که سیاست آموزش موسسه باید دانشجویان را تشویق کند تا خلاقانه، تحلیلی و منتقدانه فکر کنند. وی مهارت‌های شهروندان در قرن بیست و یکم را شامل ظرفیت‌سازی برای فکر کردن، تحلیل منتقدانه، ارتباط با جوامع و حرفه‌های متنوع و اقدام استراتژیک می‌داند و همچنین به مهارت‌های عمومی شامل مباحثه، مدیریت پروژه، قانون برنامه-ریزی، تحلیل انتقادی و دانش عملکردی اشاره می‌کند. فریستون و همکاران (Freeston, Williams, Tomapson, & Thrimbath, 2007) نیز مهارت‌های مورد نیاز شهروندان را ارتباط سریع، تفکر خلاقانه، حل مسئله، ارتباط بین فردی، کار تیمی و تجربه عملی می‌دانند، علاوه بر این مهارت‌های عمومی مورد نیاز شهروندان را حل مسئله، مهارت‌های تحلیلی، کار گروهی، مهارت‌های ارتباط شفاهی و قضاوت مستقل معرفی می‌کنند. هالییدی (Holliday, 2011) نیز مهارت مباحثه، مدیریت مناقشات، مدیریت پروژه، سیاست‌ها و اخلاقیات، طراحی شهری، ارزیابی اثرات توسعه و ضوابط شهرسازی را از ارکان اصلی مهارت‌های شهروندان می‌شناسد. از معدود مطالعاتی که به طور خاص به معرفی مهارت‌های مورد نیاز برای شهروندان در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد می‌توان به مطالعات داو و همکاران (Diaw, Nnkya, & Watson, 2002) اشاره نمود. اگر چه در این تحقیقات بر لزوم مهارت‌های

این ناهماهنگی و تنوع را تطبیق دهد که تفاوت‌ها پذیرفته شود. مهارت‌های مورد نیاز در این زمینه شامل ارتباطات سازمانی، مشارکت شهروندی، حل مناقشات، ارتباطات، مباحثه و میانجی‌گری است. نمودار ۱ مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در سه دسته سیاسی، تحلیلی و تکنیکی را نشان می‌دهد.

الکساندر نیز یک دسته بندی سه گانه از مهارت‌های شهروندان را به شرح زیر ارائه می‌کند (Alexander, 2007):

- مهارت‌های ارتباطی و ارائه (نگارش، ارائه گرافیکی و بیان شفاهی).
- مهارت‌های تحلیلی و روش‌های سیستماتیک، مدیریتی و هماهنگی، ترکیب شامل خلاقیت و طراحی.
- مهارت‌های سنتز، خلاقیت و طراحی، توانایی دیدن چند دیدگاه و تلفیق و ادغام آنها در یک دید واحد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در مورد کلیت مهارت‌های مورد نیاز شهروندان، شباهت زیادی بین دیدگاه‌های محققان وجود دارد و تاکید بر مهارت‌های ارتباطی، تحلیلی و تکنیکی تقریباً در همه مطالعات دیده می‌شود.

بایرو همکاران در کتاب خود در بخش مجزایی به معرفی مهارت‌های شهروندان می‌پردازند. آنها به مهارت‌های فرموله کردن مسئله، توانمندی‌های پژوهشی و جمع‌آوری داده؛ تحلیل کمی و کامپیوتری؛ ارائه نوشتاری، شفاهی و گرافیکی؛ حل مسئله همکارانه، برنامه سازی و طراحی اقدامات (Bayer, Frank, & Valerius, 2010) اشاره می‌کنند. به نظر بایرو همکاران، مهم ترین مهارت لازم برای شهرسازی، داشتن تفکر کل نگر در مورد مسائل و مشکلات، دیدن همه ابعاد موضوع و تشخیص چگونگی ارتباط موضوعات به شهر و محیط پیرامونی است (Bayer, Frank, & Valerius, 2010). الیس و همکاران نیز با این نظر موافقت و تاکید دارند: "بدون شک براساس استانداردهای آموزشی آنچه آموزش شهروندان را از دیگر رشته‌ها جدا می‌کند دیدگاه کل-نگر، جامع و نیاز به مطالعه، درک و بکارگیری چیدمان متنوعی از دانش چند رشته‌ای است" (Ellis, Morison, & Purdy, 2008). بعضی تحقیقات به تعداد مشخصی از مهارت‌های مورد نیاز اشاره دارند. پنج زمینه‌ای که به نظر سندراکاک شهروندان آینده باید به آن مجهز باشند عبارتند از: دانش فنی، تحلیلی، چندفرهنگی، اکولوژیکی و طراحی (Sandercock, 1998). کانزمن



نمودار ۱- شایستگی‌های مورد نیاز شهروندان در سه دسته سیاسی، تحلیلی و تکنیکی. ماخذ: (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004)

- توانایی درک ماهیت واکنش مردم به حاشیه نشینی و فقر در
 آفریقا و توسعه قوانین پیشرفته و نه تلاش برای حفظ وضع موجود
 - توانایی همکاری با طیف وسیعی از مردم و گروه‌ها و تعریف
 مسئله و ارائه راه حل با رویکرد مشارکتی
 - توانایی کاهش فقر و افزایش سطح زیست‌پذیری با توجه به
 تنوع فرهنگی / اخلاقی و هویت و تشویق ملاحظات زیست محیطی
 با توجه به مبانی نظری مرتبط با مهارت‌های شهرسازی می‌توان
 به دسته‌بندی شش گانه از مهارت‌ها شامل مهارت‌های

فنی در وضع موجود برنامه‌ریزی در کشورهای آفریقایی و ماهیت
 تکنیکی طرح‌ها اشاره شده، ولی تأکید تحقیق بر این است که
 شهرسازان برای حل مشکلات موجود باید حل خلاقانه مسئله،
 تعریف مسئله، لزوم ارتباط متقابل با مردم و گروه‌ها و درک
 تفاوت‌ها را بیاموزند. در این تحقیق، توانایی‌های موردنیاز
 شهرساز در کشورهای در حال توسعه به شرح زیر معرفی می‌شود:
 - توانایی ارتباط بین برنامه‌ریزان و مجریان طرح (به منظور
 در نظر گرفتن برنامه‌ریزی به عنوان حل خلاقانه مسئله)

جدول ۱ - مهارت‌های کلان و خرد مورد نیاز شهرساز.

مهارت کلان	مهارت خرد	منبع
مهارت‌های ارائه	فن نگارش	(Kaufman & Simons, 1995); (Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Guzzetta & Bollens, 2003); (Alexander, 2007); (Ozawa & Seltez, 1999)
	ارائه شفاهی	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Guzzetta & Bollens, 2003); (Freeston et al., 2007); (Alexander, 2007); (Ozawa & Seltez, 1999)
	ارائه گرافیکی	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Guzzetta & Bollens, 2003); (Alexander, 2007); (Ozawa & Seltez, 1999)
مهارت‌های ارتباطی	مباحثه	(Ellis, Morison, & Purdy, 2008); (Budge T., 2009); (Freeston et al., 2007); (Gospodini & Skayannis, 2005); (Holliday, 2011); (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004)
	روحیه همکاری و کار تیمی	(Ellis, Morison, & Purdy, 2008); (Freeston et al., 2007); (Ozawa & Seltez, 1999); (Bayer, Frank, & Valerius, 2010)
	ارتباط با برنامه‌ریزان و مسئولین طرح	(Budge T., 2009) / (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004) / (Diaw, Nnkya, & Watson, 2002)
	ارتباط با مردم (جوامع متنوع)	(Guzzetta & Bollens, 2003); (Budge T., 2009); (Ozawa & Seltez, 1999); (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004)
مهارت‌های طراحی	مهارت‌های طراحی شامل توانایی برای درک مفهومی طرح‌ها در فضای سه بعدی / ابعاد زیبایی / ترکیب خلاقیت و طراحی	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Sandercock, 1998); (Holliday, 2011); (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004)
مهارت‌های مدیریتی	مدیریت و هماهنگی تیم چند رشته‌ای	(Guzzetta & Bollens, 2003); (Alexander, 2007); (Ozawa & Seltez, 1999)
	بودجه بندی	(Ozawa & Seltez, 1999)
	مدیریت پروژه / ابعاد استراتژیک و synoptic و اجراییات	(Budge T., 2009); (Holliday, 2011)
خلاقیت	داشتن ابتکار عمل و تفکر خلاقانه	(Budge T., 2009); (Freeston et al., 2007); (Alexander, 2007); (Ozawa & Seltez, 1999)
مهارت‌های تحلیل و سنتز	تعریف مسئله	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Myers & Banerjee, 2007); (Freeston et al., 2007); (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004); (Diaw, Nnkya, & Watson, 2002)
	مهارت تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات (مدیریت اطلاعات) شامل داده‌های اولیه و ثانویه	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Ozawa & Seltez, 1999)
	مهارت‌های تکنیکی شامل آشنایی با نرم‌افزار، کار با اعداد و ...	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Sandercock, 1998); (Guzzetta & Bollens, 2003); (Gospodini & Skayannis, 2005); (Ozawa & Seltez, 1999); (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004)
	مهارت‌های تحلیلی (تحلیل کمی و کیفی) مانند آشنایی با روش‌ها، تحلیل منتقدانه و ...	(Bayer, Frank, & Valerius, 2010); (Sandercock, 1998); (Kunzman, 1997); (Guzzetta & Bollens, 2003); (Budge T., 2009); (Freeston et al., 2007); (Holliday, 2011); (Alexander, 2007); (Ozawa & Seltez, 1999); (Horen, Michael, & Pinnawala, 2004)
	ارزیابی و ارائه راهکارهای جایگزین (سناریوسازی)	(Ozawa & Seltez, 1999); (Diaw, Nnkya, & Watson, 2002)

ضابطه‌مند، مدیریت (کلی)، مباحثه / حل اختلاف، زمینه‌هایی که اهمیت‌شان به سرعت در حال رشد است شامل تکنیک‌های مشارکت / ارتباط اجتماعی و تکنیک‌های ارتباطی است. اقتصاد شهری، GIS، تکنیک‌های تحلیل آماری و CAD در یک سوم پایین رتبه‌بندی هستند (Zehner, 1999).

بخش اورگون انجمن شهروندان آمریکا، تحقیقی از شهروندان عمومی و خصوصی در ۱۹۹۸ به عمل آورد و از آنها خواست تا مهارت‌ها و توانایی‌های مورد اتکای خود را رتبه‌بندی کنند. نوشتن / سخنرانی؛ مهارت‌های بین فردی و تفکر منطقی و انتقادی؛ در بالای لیست مهم‌ترین مهارت‌ها بود و GIS / ترسیم به کمک کامپیوتر (CAD) و تحلیل کمی پایین لیست بود (Seltzer & Ozawa, 2002). شواهد دیگر شهرها نشان می‌دهد که شهرسازی برای احیای نواحی قدیمی بیشتر به توانایی‌های ارتباطی و مباحثاتی تاکید دارد تا روی توانمندی‌های تولید طرح تکنیکی، و اینکه شهروندان به تسهیل بیش از کنترل آن نیاز دارند (Cook, 1999).

مقایسه مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در بخش دولتی و غیردولتی نشان می‌دهد مهارت‌های ارتباطی بین دو گروه شهروندان دولتی و غیردولتی اهمیت یکسانی دارد. مهارت‌های ارتباط نوشتاری و ارائه همراه با آشنایی با قوانین و سیاست‌ها برای شهروندان در بخش دولتی نسبت به غیردولتی اهمیت بیشتری دارد. مهارت‌های غیرنوشتاری، گرافیکی، یا بین فردی در بخش خصوصی، بیش از مهارت‌های ارتباطی اهمیت دارد. مهارت‌های تکنیکی و کمی در بخش عمومی و خصوصی دارای اهمیت یکسانی است (Guzzetta & Bollens, 2003). به علاوه مطالعه نشان می‌دهد ارزش مهارت‌های ارتباطی و درک نیاز عموم با طول تجربه افزایش می‌یابد. در مقابل اهمیت مهارت‌های تکنیکی و کمی در طول زمان تغییری نمی‌کند (Guzzetta & Bollens, 2003).

در حالی که دالتون تاکید دارد که در شهرسازی باید مهارت‌های حرفه‌ای موثرمانند ارتباطات، تسهیل‌گری و مباحثه، برای دیگری با مسائل دشوار، آموزش داده شود (Dalton, 2001)، فریدمن بر مهارت‌های کمی و GIS تاکید دارد (Friedmann, 1996). مقاله میترا نی و استاکولز (Mitrany & Stokols, 2005) بر اهمیت درک بین‌رشته‌ای در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به خصوص در مقطع دکتری تاکید دارد و یکی از مهارت‌های اصلی شهروندان، توانایی سنتز نتایج تحقیق از رشته‌های دیگر و تلفیق آنها در یک کل منسج است. مطالعه انجام شده که به مقایسه مهارت‌های شهروندان با غیرشهروندان می‌پردازد نشان می‌دهد مدیریت برای حرفه‌های مرتبط با شهرسازی نسبت به شهرسازی دارای ارزش بیشتری است (Guzzetta & Bollens, 2003).

جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته در مورد اهمیت مهارت‌های مورد نیاز شهروندان نشان می‌دهد که در عمده مطالعات، بر اهمیت مهارت‌های ارتباطی تاکید شده، در مقابل مهارت‌های تکنیکی دارای کمترین اهمیت تشخیص داده شده‌اند. دیگر مهارت‌های مهم شامل کار تیمی، کار با عموم،

ارائه، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های طراحی، خلاقیت، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های تحلیل و سنتز دست یافت. جدول ۱، خلاصه مهارت‌های کلان و خرد مورد نیاز شهروندان را با توجه به مبانی نظری نشان می‌دهد.

۱-۲- تعیین مهم‌ترین مهارت‌های شهروندان بر اساس مطالعات جهانی

پژوهش‌های گسترده‌ای به رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان پرداخته‌اند که بیشتر این مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته (به خصوص آمریکا) صورت گرفته است. مطالعات اوزاوا و سلتز (Ozawa & Seltzer, 2002) (Seltzer & Ozawa, 2002)، مهم‌ترین مهارت برای شهروندان تازه‌کار را مهارت‌های ارتباطی می‌داند. مهارت‌های مهم برای شهروندان ارشد «خوب کار کردن با همکاران (درون سازمان)، کار با عموم مردم و درک آنچه مشتریان / عموم می‌خواهند» است. در مقابل مهارت‌های مرتبط با تحلیل اقتصادی خرد و تحلیل رگرسیونی، کمترین اهمیت را دارند. در این تحقیق پیشنهاد می‌شود که برنامه تحصیلی به نحوی بازطراحی شود که مهارت‌های ارتباطی به اندازه مهارت‌های تحلیلی / عقلایی آموزش داده شود. مطالعات مشابه انجام شده توسط همین محققین در چهار ایالت آمریکا نشان می‌دهد که کار با عموم مردم، کار با همکاران، خودانگیختگی^۵، توانایی تکمیل کار با کیفیت با زمان و بودجه مشخص در هر چهار ایالت دارای بالاترین اهمیت است، در حالی که درک خواست عموم، توانایی خواندن ضوابط منطقه‌بندی و تفسیر کاربرد آن و توانایی نوشتن گزارش پروژه و اسناد طولانی‌تر در سه ایالت در بالای لیست قرار داشتند.

مطالعه گارتا و بولنز (Guzzetta & Bollens, 2003) نیز نشان می‌دهد مهارت‌های ارتباطی نسبت به مهارت‌های تکنیکی و کمی اهمیت بیشتری دارند. بیش از ۸۰ درصد مهارت‌های ارتباطی و ۶۵ تا ۷۰ درصد مهارت‌های ارائه را از مهم‌ترین مهارت‌ها می‌دانستند. تنها یک سوم پاسخ‌دهندگان تحلیل کمی را مهم می‌دانستند و ۳۳ درصد شهروندان و ۲۹ درصد غیرشهروندان مهارت‌های تکنیکی را مهم می‌دانستند. در بین مهارت‌های ارتباطی، مهارت گزارش نویسی و نوشتن برای عموم بیش از حرفه‌های مرتبط با شهرسازی و غیرشهرسازی دارای اهمیت است. مطالعه تحلیل شغلی که توسط انجمن شهروندان تأیید و انجام شده نیز موید این موضوع بوده و نشان می‌دهد که مهارت‌های ارتباطی شامل آمادگی برای نوشتن گزارش (مهم‌ترین) و ارائه عمومی (ششمین مهارت مهم) در بین هجده مهارت دارای اهمیت بیشتری هستند (Kuehl, 1992). اینس نیز بر جابه‌جایی از مدرنیست و برنامه‌ریزی منطقی به سمت مدل همکارانه، با تاکید آموزش بر مهارت‌های ارتباطی اشاره می‌کند (Innes, 1997). مطالعات زهنر در ۱۹۹۹ در دانشگاه نیوسوتولز استرالیا در ۱۹۷۹، ۱۹۸۴، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶ در مورد مهم‌ترین مهارت‌ها، نشان‌دهنده این است که مهارت‌های زیر، هر ساله در بالاترین رتبه بودند: قانون برنامه‌ریزی، کنترل توسعه / برنامه‌ریزی

جدول ۲- ترتیب اهمیت مهارت‌های مورد نیاز شهرساز بر اساس مبانی نظری.

اهمیت مهارت	نوع مهارت	منبع
تخصصی	مهارت‌های ارتباطی	(Zehner, 1999); (Ozawa & Seltez, 1999); (Guzzetta & Bollens, 2003); (Kuehl, 1992); (Innes, 1997); (Seltzer & Ozawa, 2002); (Cook, 1999); (Dalton, 2001)
	کار تیمی	(Seltzer & Ozawa, 2002)
	کار با عموم	(Seltzer & Ozawa, 2002)
	مهارت نوشتن	(Guzzetta & Bollens, 2003); (Seltzer & Ozawa, 2002); (Kuehl, 1992)
	مهارت‌های ارائه	(Guzzetta & Bollens, 2003); (Kuehl, 1992)
مدیریتی	مهارت‌های تکنیکی (GIS و CAD و ...)	(Zehner, 1999); (Seltzer & Ozawa, 2002); (Cook, 1999)
	مدیریت	(Mitrany & Stokols, 2005)

اساس فرمول زیر برابر ۶۶ نمونه می‌باشد. با توجه به انتخاب ۱۱ دانشگاه برای تکمیل پرسشنامه مقرر گردید که در هر دانشگاه حداقل ۱۳ پرسش‌نامه تکمیل گردد که تا حد امکان نرمال بودن تعداد نمونه‌ها در هر دانشگاه تامین گردیده و امکان تحلیل‌های ثانویه نیز وجود داشته باشد. بر این اساس مجموعاً ۱۵۴ پرسش‌نامه توسط دانشجویان تکمیل گردید.

- با توجه به نبود آمار و اطلاعات کافی در مورد تعداد فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی شهرسازی برای تعیین تعداد نمونه‌ها از فرمول زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{Z^2 P(1-P)}{d^2}$$

بر اساس محاسبات انجام شده تعداد نمونه مورد نیاز برابر با ۶۶ نمونه می‌باشد. در این تحقیق ۹۲ پرسشنامه توسط فارغ‌التحصیلان تکمیل شده است.

- بر اساس اطلاعات دریافتی از پژوهشگاه آموزش عالی تعداد استادان شهرسازی در سال ۹۰ برابر با ۲۸۷ نفر بوده است. با این حساب تعداد نمونه‌ها بر اساس فرمول زیر برابر ۵۵ نمونه می‌باشد که در این تحقیق ۶۶ پرسشنامه توسط اساتید تکمیل شده است. - تعداد شرکت‌های فعال شهرسازی ۴۶ شرکت شناسایی شده و با این حساب تعداد نمونه‌ها بر اساس فرمول فوق برابر ۲۷ نمونه می‌باشد که در این تحقیق ۲۹ پرسشنامه توسط کارفرمایان تکمیل شده است.

جدول ۳، پرسش‌نامه‌های تکمیل شده به تفکیک گروه‌ها و دانشگاه‌های مختلف را نشان می‌دهد.

در تحقیق حاضر برای تعیین روایی پرسشنامه، تایید نهایی توسط متخصصان مورد بررسی و تایید قرار گرفته است و برای تعیین پایایی پرسشنامه، آلفای کرونباخ به تفکیک برای ۴ نوع پرسشنامه تکمیل شده (دانشجویان، دانش‌آموختگان، استادان و کارفرمایان) و بر اساس اهمیت مهارت‌ها برای مقطع کارشناسی و اهمیت مهارت‌ها برای مقطع کارشناسی ارشد محاسبه شده است. آلفای کرونباخ برای همه موارد قابل قبول و بالای ۰٫۷ می‌باشد که نشان دهنده سطح بالای اعتمادپذیری پرسشنامه است. جدول زیر آلفای کرونباخ محاسبه شده برای انواع سوالات و انواع پرسشنامه‌ها را به تفکیک نشان می‌دهد.

از پرسش‌شوندگان درخواست گردیده که اهمیت هر مهارت

مهارت‌های نوشتن و مهارت‌های ارائه می‌باشد. در مقابل به نظر می‌رسد مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های تکنیکی دارای اهمیت کمتری هستند.

۲- روش تحقیق

تحقیقات علمی بر اساس هدف به دو دسته تحقیقات بنیادی و تحقیقات کاربردی تقسیم می‌شوند. تحقیق حاضر بر اساس هدف، یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. همچنین از نظر ماهیت و روش، یک تحقیق توصیفی - تحلیلی به حساب می‌آید. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی محقق علاوه بر شرح آنچه وجود دارد به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. از حیث نحوه جمع‌آوری داده‌ها، روش مورد استفاده روش کمی می‌باشد و ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. همچنین از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه توسط دانشجویان کارشناسی، دانش‌آموختگان و استادان رشته شهرسازی و کارفرمایان (مدیران شهرسازی) تکمیل شده است. پرسش‌نامه‌ها حداقل ۹۱ تا ۹۱ ماه مه‌ماه ۹۱ تکمیل گردیده است و ۷ داوطلب (دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد شهرسازی در دانشگاه تهران) با مصاحبه رودرو پرسشنامه‌ها را تکمیل نموده‌اند. ۱۱ دانشگاه که هم مدرک کارشناسی و هم مدرک کارشناسی ارشد شهرسازی را ارائه می‌دهند، به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

محاسبه تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران انجام شده است.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2 \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)}$$

در تعیین تعداد نمونه‌ها با فرض خطای ۱/۰ (d=0.1)، سطح اطمینان ۹۰٪ (z=1.64) و با فرض p=q=0.5 محاسبات صورت گرفته است.

- بر اساس اطلاعات دریافتی از پژوهشگاه آموزش عالی تعداد دانشجویان محصل در مقطع کارشناسی شهرسازی در سال ۹۰ برابر با ۹۲۷۸ نفر بوده است. با این حساب تعداد نمونه‌ها بر

با مدرک کارشناسی ارشد دارای کمترین اهمیت می‌باشد. این نتیجه چندان دور از انتظار نیست، چرا که از شهروندان با مدرک کارشناسی عمدتاً انتظار می‌رود که به عنوان عضوی از تیم، کارهایی را که از طرف مدیر پروژه به آنها تفویض می‌شود به دقت انجام دهند و بیشتر نقش تکنسین را بر عهده دارند و بنابراین مهارت‌های کار تیمی (با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای شهروندی) و مهارت‌های تکنیکی مانند کار با کامپیوتر و مهارت‌های تحقیق مانند جمع‌آوری داده برای این افراد دارای اهمیت بیشتری است. در مقابل شهروندان با مدرک کارشناسی ارشد، نقش برجسته‌تری در پیشبرد پروژه دارند. از آنها انتظار می‌رود با تعریف درست و تحلیل مسئله راه‌حلی برای مسائل شهری بیابند و انتظار می‌رود در مقام مدیر پروژه توانایی ارائه و دفاع از طرح خود را داشته باشند. بنابراین برای آنها مهارت‌های تعریف مسئله، تحلیل و ارائه شفاهی دارای اولویت بیشتری می‌باشد.

مقایسه مطالعات جهانی با نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد تفاوت‌هایی بین مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. براساس مطالعات جهانی، مهارت‌های ارتباطی در کشورهای توسعه‌یافته دارای اهمیت زیادی است، در حالیکه در کشورهای در حال توسعه (مانند ایران) دارای سطح اهمیت متوسط و بعضاً پایین است. این موضوع را می‌توان با تفاوت در روند تهیه و تصویب طرح‌های توسعه شهری در این کشورها در ارتباط دانست. در حالیکه در کشورهای توسعه‌یافته طرح‌ها با مشارکت فعال مردم در مراحل مختلف تهیه و تصویب می‌شود، در کشورهای در حال توسعه این فرایند عمدتاً مبتنی بر استفاده از روش‌های تکنیکی و تحلیلی مرسوم است و تصویب طرح توسط صاحب‌منصبان منتخب / منتصب صورت می‌گیرد. بنابراین شهروندان به عنوان یک تکنسین باید دارای قدرت تحلیل، مهارت حل مسئله و ارائه شفاهی (برای دفاع و ارائه طرح در جلسات) باشد. شهروندان با مدرک کارشناسی نیز در واقع به عنوان عضو گروه (و نه رهبر گروه شهروندی) باید دارای مهارت‌هایی برای پیشبرد تکنیکی و همکاری با دیگر کارشناسان طرح باشند و در نتیجه مهارت‌های تکنیکی و کار تیمی برای آنها دارای اهمیت بیشتری است در حالیکه در کشورهای توسعه‌یافته، مهارت فنی دارای کمترین اهمیت است. البته شباهت‌هایی هم در اولویت مهارت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دیده می‌شود. برای مثال می‌توان به مهارت‌های نوشتن و مهارت‌های ارائه و کار تیمی اشاره نمود که هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در این تحقیق دارای اهمیت بالایی هستند و مهارت‌های مدیریتی نیز در هر دو دارای اهمیت کمی هستند.

نمودار ۲، اهمیت مهارت‌های شهروندی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را با هم مقایسه می‌نماید. همانگونه که مشاهده می‌شود همه مهارت‌ها در سطح کارشناسی ارشد دارای اهمیت بیشتری است. تنها استثنا، مهارت کار تیمی است که برای هر دو مقطع دارای اهمیت یکسانی است. مقایسه سطح اهمیت مهارت‌ها بین چهار گروه پرسش‌شونده

جدول ۳- پرسشنامه‌های تکمیل شده به تفکیک گروه‌ها و دانشگاه‌های مختلف.

دانشگاه	دانشجو	فارغ التحصیل	استاد	مدیرگروه	کارفرما
شیراز	۱۵	۶	۵	۱	۵
همدان	۱۵	۵	۳	۱	
زنجان	۱۶	۵	۳	۱	
تهران	۱۱	۵	۸	۱	۱۷
سندج	۱۵	۵	۷	۱	
آزاد قزوین	۱۳	۴	۶	۱	
هنر اصفهان	۱۴	۷	۸	۱	۷
آزاد مشهد	۱۴	۱۲	۳	۱	
هنر تهران	۱۸	۵	۳	۱	
یزد	۱۳	۴	۴	۱	
بین‌الملل قزوین	۱۰	۴	۵	۱	
سایر دانشگاه‌ها ^۲		۳۴			
جمع	۱۵۴	۹۲	۵۵	۱۱	۲۹

جدول ۴- الفای کرونباخ محاسبه شده برای انواع سوالات و انواع پرسش‌نامه‌ها.

معیار مورد سنجش	دانشجویان	دانش‌آموختگان	استادان	کارفرمایان
اهمیت مهارت در کارشناسی	۰٫۹۶	۰٫۹۲	۰٫۹۲	۰٫۹۴
اهمیت مهارت در کارشناسی ارشد	۰٫۸۹	۰٫۹۴	۰٫۹۳	۰٫۹۵

برای شهروندان با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد را به تفکیک از ۱ تا ۹ مشخص کنند و همچنین نشان دهند که آموزش فعلی مقطع کارشناسی تا چه اندازه در انتقال مهارت‌های مورد نظر موفق بوده است. اهمیت هر مهارت با گرفتن میانگین حسابی از پرسشنامه‌های تکمیل شده تعیین شده است. مقایسه بین ۴ گروه پرسش‌شونده با انجام آزمون آنوا استفاده شده است که به مقایسه میانگین بیش از دو گروه می‌پردازد.

۳- یافته‌ها

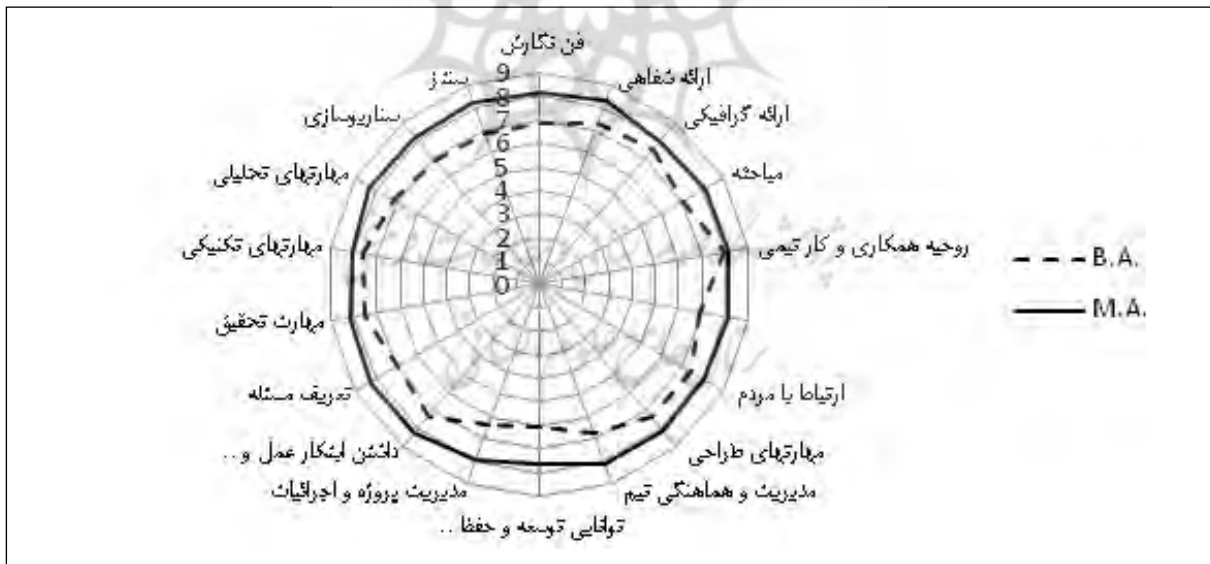
نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد در حالیکه مهم‌ترین مهارت برای کارشناسان با مدرک کارشناسی مهارت‌های کار تیمی، مهارت‌های تکنیکی و مهارت جمع‌آوری، اطلاعات می‌باشد، برای شهروندان با مدرک کارشناسی ارشد، مهم‌ترین مهارت‌ها شامل مهارت‌های تحلیلی، ارائه شفاهی و تعریف مسئله است. هر چند دو مهارت توانایی بودجه‌بندی و مدیریت پروژه برای هر دو گروه شهروندان با مدرک کارشناسی و شهروندان

مقایسه میانگین اهمیت مهارت‌ها بین شهرسازان با مدرک کارشناسی با کارشناسی ارشد نشان می‌دهد که در همه مهارت‌ها تفاوت معناداری بین متوسط مهارت در این دو گروه قرار دارد و تنها مهارت روحیه همکاری و کار تیمی از این قاعده مستثنی است. به عبارتی تنها مهارتی که در برای شهرسازان در هر دو مقطع دارای اهمیت یکسان می‌باشد مهارت کار تیمی است. جدول ۵ میانگین اهمیت هر یک از مهارت‌ها در مجموع و به تفکیک هر یک از گروه‌های پرسش‌شونده را نشان می‌دهد.

برای بررسی سطح موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌های از پرسش‌شوندگان خواسته شده است که براساس طیف پنج‌تایی لیکرت تعیین نمایند آموزش شهرسازی در مقطع کارشناسی در انتقال مهارت‌ها چگونه عمل کرده است. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع سطح موفقیت در حد متوسط بوده است. بیشترین موفقیت آموزش در انتقال مهارت‌هایی چون مهارت‌های تحلیلی، تکنیکی و سپس ارائه شفاهی دیده می‌شود. در حالیکه مهارت‌های مدیریتی (هرسه مهارت)، مهارت ارتباط با برنامه‌ریزان و مسئولین طرح در پایین‌ترین حد است. جالب اینکه علیرغم تاکید همه گروه‌ها بر مهارت کار تیمی به عنوان مهم‌ترین مهارت برای کارشناسان شهرسازی حدود ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان معتقدند که آموزش شهرسازی کشور در انتقال این مهارت ضعیف یا بسیار ضعیف عمل کرده است. جدول ۶ نتیجه بررسی سطح موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌های مورد نیاز شهرسازان را نشان می‌دهد.

با استفاده از آزمون آنوا انجام شده است. براین اساس دو مهارت کار تیمی و مهارت‌های تکنیکی از نظر هر چهار گروه پرسش‌شوندگان (دانشجویان، دانش‌آموختگان، استادان و کارفرمایان) دارای بیشترین اهمیت برای شهرسازان با مدرک کارشناسی است. در حالی‌که استادان و کارفرمایان علاوه بر دو مهارت فوق مهارت‌های تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات را نیز دارای اولویت می‌دانند، دانش‌آموختگان بر مهارت ارتباط با مردم و دانشجویان بر مهارت خلاقیت تاکید دارند. از دیدگاه هر چهار گروه، دو مهارت بودجه‌بندی و مدیریت پروژه دارای کمترین اهمیت هستند. استادان و کارفرمایان مهارت مدیریت و هماهنگی تیم چندرشته‌ای را نیز دارای کمترین اهمیت معرفی کرده‌اند در حالیکه دانشجویان، فن نگارش و دانش‌آموختگان تعریف مسئله را مهارت کم‌اهمیتی برای شهرسازان با مدرک کارشناسی می‌دانند.

مهارت تحلیل از نظر هر چهار گروه دارای اهمیت زیادی برای شهرسازان با مدرک کارشناسی ارشد است. استادان و دانش‌آموختگان علاوه بر این مهارت، بر مهارت تعریف مسئله، ارائه شفاهی و فن نگارش تاکید دارند. کارفرمایان مهارت‌های تعریف مسئله، تحلیل و سناریوسازی را دارای اهمیت می‌دانند. دانشجویان، مهارت‌های تکنیکی و خلاقیت را بیش از مهارت تحلیل برای شهرسازان با مدرک کارشناسی ارشد مهم می‌دانند. هر چهار گروه به مهارت‌های مدیریتی و به خصوص مهارت بودجه بندی امتیاز کمی داده‌اند.



نمودار ۲- مقایسه اهمیت مهارت‌های شهرسازی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد.

جدول ۵- میانگین اهمیت هر یک از مهارت‌ها به تفکیک هر یک از گروه‌های پرسش‌شونده.

مهارت کلان	مهارت خرد		نتیجه نهایی (امتیاز از ۱ تا ۹)		دانشجویان (امتیاز از ۱ تا ۹)		دانش‌آموختگان (امتیاز از ۱ تا ۹)		استادان (امتیاز از ۱ تا ۹)		کارفرمایان (امتیاز از ۱ تا ۹)	
	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.
مهارت‌های ارائه	۸,۲۳	۶,۸۶	۸,۴۳	۷,۱۲	۸,۱۴	۶,۸۲	۸,۴۳	۷,۱۲	۸,۴۴	۶,۷۷	۷,۳۵	۵,۷۸
	۸,۳۷	۷,۳۰	۸,۵۳	۷,۷۵	۸,۱۸	۷,۲۶	۸,۵۳	۷,۷۵	۸,۵۸	۶,۹۴	۷,۹۲	۵,۹۳
	۸,۰۰	۷,۴۶	۸,۳۹	۷,۴۹	۷,۹۲	۷,۵۵	۸,۳۹	۷,۴۹	۷,۸۵	۷,۵۶	۷,۱۵	۶,۷۴

تحلیلی بر مهم‌ترین مهارت‌های شهسازان در ایران و موفقیت دوره کارشناسی در انتقال این مهارت‌ها

کارفرمایان (امتیاز از ۹ تا)		استادان (امتیاز از ۹ تا)		دانش‌آموختگان (امتیاز از ۹ تا)		دانشجویان (امتیاز از ۹ تا)		نتیجه نهایی (امتیاز از ۹ تا)		مهارت خرد	مهارت کلان
M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.	M.A.	B.A.		
۷,۸۱	۵,۹۳	۸,۳۱	۶,۴۰	۷,۷۹	۶,۷۹	۸,۴۵	۷,۵۱	۸,۱۴	۶,۹۶	مباحثه	مهارت‌های ارتباطی
۷,۸۱	۷,۲۲	۸,۳۲	۷,۹۸	۷,۶۹	۷,۹۴	۸,۴۸	۸,۱۶	۸,۱۲	۷,۹۹	روحیه همکاری و کار تیمی	
۷,۶۹	۵,۹۶	۸,۰۳	۶,۳۲	۷,۹۱	۷,۰۱	۸,۵۲	۷,۲۲	۸,۱۳	۶,۸۸	ارتباط با برنامه‌ریزان و مسئولین	
۷,۰۸	۶,۱۵	۷,۹۰	۶,۹۵	۷,۹۱	۷,۶۵	۸,۵۹	۷,۶۲	۸,۰۶	۷,۳۷	ارتباط با مردم	
۷,۵۰	۶,۵۲	۷,۹۵	۷,۱۰	۷,۹۹	۷,۳۳	۸,۴۹	۷,۶۰	۸,۱۱	۷,۳۴	مهارت‌های طراحی	مهارت‌های مدیریتی
۷,۷۳	۵,۳۷	۸,۱۷	۶,۱۰	۷,۷۷	۶,۶۹	۸,۴۶	۷,۳۵	۸,۱۰	۶,۷۵	مدیریت و هماهنگی تیم	
۶,۸۸	۴,۵۰	۷,۳۵	۵,۱۴	۷,۳۴	۵,۹۵	۸,۲۳	۶,۹۱	۷,۶۲	۶,۱۰	بودجه بندی	مهارت‌های مدیریتی
۷,۸۱	۵,۰۷	۷,۸۰	۵,۳۸	۷,۶۹	۶,۲۲	۸,۲۳	۷,۰۴	۷,۹۱	۶,۳۲	مدیریت پروژه و اجرائیات	
۷,۹۲	۶,۵۹	۸,۱۴	۶,۷۹	۷,۹۴	۷,۱۹	۸,۷۱	۷,۹۰	۸,۲۶	۷,۳۷	داشتن ابتکار عمل و تفکر خلاقانه	خلاقیت
۷,۹۶	۵,۹۳	۸,۶۱	۶,۶۸	۸,۰۸	۶,۷۳	۸,۴۱	۷,۵۴	۸,۳۱	۷,۰۱	تعریف مسئله	مهارت‌های تحلیل و سنتز
۷,۵۸	۷,۱۹	۸,۲۰	۷,۵۸	۷,۸۷	۷,۴۴	۸,۵۹	۷,۷۵	۸,۱۷	۷,۵۸	مهارت تحقیق	
۷,۴۶	۶,۸۵	۷,۷۶	۷,۷۱	۷,۹۵	۷,۵۶	۸,۶۸	۷,۹۱	۸,۱۲	۷,۶۸	مهارت‌های تکنیکی	
۸,۱۵	۶,۲۶	۸,۴۴	۶,۹۲	۸,۲۲	۶,۹۷	۸,۶۳	۷,۵۶	۸,۴۱	۷,۱۶	مهارت‌های تحلیلی	
۸,۰۸	۵,۸۹	۸,۴۶	۶,۴۸	۷,۸۶	۶,۹۵	۸,۴۵	۷,۲۸	۸,۲۲	۶,۹۱	سناریوسازی	
۸,۰۰	۵,۷۰	۸,۳۲	۶,۲۳	۸,۰۷	۶,۶۸	۸,۵۳	۷,۵۰	۸,۲۸	۶,۸۷	سنتز	

جدول ۶- بررسی سطح موفقیت آموزش شهسازان در انتقال مهارت‌های مورد نیاز شهسازان.

سطح موفقیت آموزش شهسازان در انتقال مهارت (درصد)					مهارت خرد	مهارت کلان
بسیار قوی	قوی	بینابین	ضعیف	بسیار ضعیف		
۴,۴	۲۰,۳	۴۹,۵	۲۱,۶	۴,۱	فن نگارش	مهارت‌های ارائه
۸,۸	۳۵	۴۳,۵	۱۱,۴	۱,۳	ارائه شفاهی	
۷,۳	۲۶,۳	۴۲,۱	۱۸,۷	۵,۴	ارائه گرافیکی	
۵,۴	۲۴,۶	۴۱,۳	۲۰,۸	۷,۶	مباحثه	مهارت‌های ارتباطی
۵,۸	۱۹,۲	۳۵,۶	۳۱,۱	۸,۳	روحیه همکاری و کار تیمی	
۶,۴	۱۳,۱	۳۳,۲	۳۱	۱۶,۳	ارتباط با برنامه‌ریزان و مسئولین	
۱۰,۴	۲۵	۳۱,۶	۲۵,۳	۷,۶	ارتباط با مردم	مهارت‌های طراحی
۶,۳	۱۷,۸	۴۸,۴	۲۲,۵	۵	مهارت‌های طراحی	
۵,۸	۱۹,۲	۳۵,۶	۳۱,۱	۸,۳	مدیریت و هماهنگی تیم	مهارت‌های مدیریتی
۱,۶	۱۳	۳۲,۱	۳۰,۸	۲۲,۴	بودجه بندی	
۳,۲	۱۲,۵	۳۹,۷	۲۴,۷	۱۹,۹	مدیریت پروژه و اجرائیات	

جدول ۶- بررسی سطح موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌های مورد نیاز شهروندان.

سطح موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت (درصد)					مهارت خرد	مهارت کلان
بسیار قوی	قوی	بینابین	ضعیف	بسیار ضعیف		
۷,۲	۲۴,۸	۴۶,۲	۱۷,۳	۴,۴	داشتن ابتکار عمل و تفکر خلاقانه	خلاقیت
۶,۴	۲۵,۸	۴۴,۶	۱۹,۱	۴,۱	تعریف مسئله	مهارت‌های تحلیل و سنتز
۱۲,۶	۳۹,۳	۳۸,۴	۸,۵	۱,۳	مهارت تحقیق	
۱۰,۶	۳۸,۱	۳۶,۳	۱۰,۳	۴,۷	مهارت‌های تکنیکی	
۵,۳	۱۸,۸	۴۶,۴	۲۳,۵	۶	مهارت‌های تحلیلی	
۳,۱	۱۹,۲	۴۵	۲۶,۴	۶,۳	سناریوسازی	
۳,۵	۱۸,۹	۴۰,۷	۲۷,۱	۹,۸	سنتز	
۱۱,۵	۲۷,۳	۴۲,۹	۲۲,۸	۷,۵	میانگین درصد	



نمودار ۳- بررسی سطح موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌های مورد نیاز شهروندان.

نمودار دیده می‌شود بیشتر پرسش‌شوندگان سطح موفقیت آموزش شهرسازی را در این ارتباط در حد متوسط ارزیابی می‌نمایند.

نمودار ۳، سطح موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌های مورد نیاز شهروندان نشان می‌دهد. همانگونه که در

نتیجه

با هدف پاسخ به این خلاء تحقیقاتی به معرفی و رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در ایران (به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه) به تفکیک در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد پرداخته و میزان موفقیت آموزش شهرسازی در انتقال مهارت‌های مورد نظر را مورد بررسی قرار دهد.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در مقطع کارشناسی و

پژوهش‌های گسترده‌ای به رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان پرداخته‌اند که بیشترین مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته (به خصوص آمریکا) صورت گرفته و کمتر مطالعه‌ای به معرفی مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در کشورهای در حال توسعه مانند ایران پرداخته‌اند، در حالی که تفاوت‌های بنیادین در نوع مسائل شهری و روند تهیه و تصویب طرح‌ها در این کشورها مهارت‌های متفاوتی را طلب می‌نماید. این تحقیق

برای شهروندان با مدرک کارشناسی ارشد از نظر هر چهار گروه دارای اهمیت زیادی است. نتایج حاصل از ارزیابی میزان موفقیت آموزش موجود شهروندی در ایران نشان می‌دهد که آموزش شهروندی بیشتر در انتقال مهارت‌های تحلیلی و تکنیکی و سپس ارائه شفاهی موفق بوده است. در حالی که آموزش موجود در انتقال مهارت‌های مدیریتی و ارتباط با مسئولین و برنامه‌ریزان کمتر موفق بوده است. این نتیجه با توجه به نتایج حاصل از اولویت بندی مهارت‌ها چندان دور از ذهن نیست. تصور می‌شود استادان بیشتر بر انتقال مهارت‌هایی تاکید دارند که تصور می‌کنند در دنیای حرفه‌ای دارای اهمیت بیشتری است. یک استثناء مهارت کار تیمی است، به این ترتیب که علی‌رغم تاکید همه گروه‌ها بر مهارت کار تیمی به عنوان مهم‌ترین مهارت برای کارشناسان شهروندی، حدود ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان معتقدند که آموزش شهروندی کشور در انتقال این مهارت ضعیف یا بسیار ضعیف عمل کرده است.

کارشناسی ارشد وجود دارد. در حالیکه مهم‌ترین مهارت برای کارشناسان با مدرک کارشناسی مهارت‌های کار تیمی، مهارت‌های تکنیکی و مهارت جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد، برای شهروندان با مدرک کارشناسی ارشد، مهم‌ترین مهارت‌ها شامل مهارت‌های تحلیلی، ارائه شفاهی و تعریف مسئله است. همچنین مقایسه مطالعات جهانی با نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد تفاوت‌هایی بین مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته وجود دارد. بر اساس مطالعات جهانی، مهارت‌های ارتباطی در کشورهای توسعه یافته دارای اهمیت زیادی است، در حالیکه در کشورهای در حال توسعه (مانند ایران) دارای سطح اهمیت متوسط و بعضاً پایین است. مقایسه تفاوت دیدگاه‌ها در این مورد بین چهار گروه پرسش‌شونده نشان می‌دهد که اگرچه در ارتباط با اهمیت بعضی مهارت‌ها اختلاف نظر وجود دارد، ولی دو مهارت کار تیمی و مهارت‌های تکنیکی برای کارشناسان شهروندی و مهارت تحلیل

سپاسگزاری

این مقاله براساس نتایج حاصل از طرح پژوهشی است که در دانشکده شهروندی دانشگاه تهران در حال انجام است. ضمناً بدین وسیله از همکاری صمیمانه دانشجویان کارشناسی ارشد شهروندی دانشگاه تهران که در تکمیل پرسش‌نامه‌ها همکاری کردند: خانم‌ها مریم رهی، مهسا مسگر، سپیده بخشیده‌زاد، شهره عزتیان و سارا وطن‌پور و آقایان مهران غفوری فرو و پدram ظریف، سپاسگزاری می‌نمایم.

پی‌نوشت‌ها

search, 12 (3), 223-229.

Cook, A (1999), Undercurrents of Change in Planning Education in Hung Kong, *Planning Practice and Research*, 14 (2), 247-249.

Dalton, L C (2001), Weaving The Fabric of Planning As Education *Journal of Planning and Research*, 20(4), 423-436.

Diaw, K, Nnkya, T, & Watson, V (2002), Planning Education in Sub-Saharan Africa: Responding to the Demands of a Changing context. *Planning Practice and Research*, 17(3), 337-348.

Ellis, G, Morison, S, & Purdy, J (2008), A New Concept of Interprofessional Education in Planning Programs: Reflections on Health Urban Planning Project, *Journal for Education in the Built Environment*, 3(2), 75-93.

Freeston, R, Williams, P, Tomapson, S, & Thrimbath, K (2007), A Quantitative Approach to Assessment of Work-based Learning Outcomes: An Urban Planning Application, *Higher Education Research and Development*, 26(4), 347-361.

Friedmann, J (1996). The Core Curriculum in Planning Revisited, *Journal of Planning Education and Research*, 15 (2), 89-104.

Gospodini, A & Skayannis, P (2005), Toward an Integration Model of Planning Education Programs in a European and International Context: The Contribution of Recent Greek Experience, *Planning Theory & Practice*, 6 (3), 355-382.

Guzzetta, J D, & Bollens, S A (2003), Urban Planners Skills and Competencies: Are We Different from Other Professions? Does Context Matter? Do We Evolve? *Journal of Planning Education and Research*, 23(1), 96-106.

1 Dualism.

2 Universalism.

3 Holistic.

4 Royal Town Planning Institute.

5 Self starter.

6 <http://planners.blogfa.com/post-12.aspx>

۷ تکمیل پرسش‌نامه‌ها در ۱۱ دانشگاه صورت گرفته است. بعضاً دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در این دانشگاه‌ها (فارغ‌التحصیلان کارشناسی شهروندی) مقطع کارشناسی خود را در دانشگاه‌های دیگر گذرانده‌اند. با توجه به اینکه تمرکز تحقیق رساله بر مقطع کارشناسی شهروندی بوده است، این دانشگاه‌ها در دسته سایر دانشگاه‌ها لحاظ شده است.

فهرست منابع

Afshar, F (2001), Preparing Planners for a Globalizing World: The Planning School at the University of Guelph, *Journal of Planning Education and Research*, 20 (3), 339-352.

Alexander, E R (2007), What Do Planners Need To Know? *Journal of Planning Education and Research*, 20 (3), 376-380.

Bayer, M, Frank, N, & Valerius, J (2010), *Becoming an Urban Planner: A Guid to Careers in Planning and Urban Design*, Wiley, U.S.A.

Budge, T (2009), Educating Planners, Educating for Planning or Planning Education: the Never-Ending Story, *Australian Planner*, 46(1), 8-13.

Burayidi, M A (1993), Dualism and Universalism: Competing Paradigms in Planning Education. *Journal of Planning Education and Research*

Mitrany, M & Stokols, D (2005), Gauging The Transdisciplinary Qualities and Outcomes of Doctoral Training Programs, *Journal of Planning Education and Research*, 24(4), 437-449.

Myers, D, & Banerjee, T (2007), Toward Greater Heights for Planning: Reconciling the Differences Between Profession, and Academic Field, *Journal of the American Planning Association*, 71 (2), 121-129.

Ozawa, P, & Seltzer, E (1999), Taking Our Bearing: Mapping Among Planning Practice, Theory and Education, *Journal of Planning Education and Research*, 18(3), 257-266.

Sandercock, L (1998), *Toward Cosmopolis*, Wiley, UK.

Seltzer, E, & Ozawa, C P (2002), Clear Signals: Moving on to Planning's Promise, *Journal of Planning Education and Research*, 22(1), 77-86.

Zehner, R (1999), Planners in OZ: Linking Practice with Education, *Association of Collegiate Schools of Planning Conference*, Chicago.

Holliday, S (2011), *The Challenges of Being a Planner Today*, Sydney: Planning Institute Australia (PIA).

Horen, B, Michael, L, & Pinnawala, S (2004), Localizing a Global Discipline, Designing New Planning Programs in Sri Lanka, *Journal of Planning Education and Research*, 23 (3), 255-268.

Innes, J (1997), The Planner's Century, *Journal of Planning Education and Research*, 16(3), 227-228.

Kaufman, S & Simons, R (1995), Quantitative and Research Methods in Planning: Are Schools Teaching What Practitioners Practice? *Journal of Planning Education and Research*, 15(1), 17-33.

Kuehl, P G (1992), *Job Analysis Survey: American Institute of Certified Planners*, Rockville, MD: Westat, Inc.

Kunzman, K R (1997), *The Future of Planning Education in Europe*, AESOP News.

